درس ششم: قدرت اجتماعی

سیاست و عمل سیاسی

تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند.

دو وجه یا بعد اصلی سیاست

- تدبیر و تنظیم امور که امروز به قانون کاهش یافته است.
- ضمانت اجرای قانون که نیازمند قدرت است.

امر سیاسی

هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سر و کار دارد.

سیاست

مجموعه روش‌هایی که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به شیوهٔ کارآمد و مؤثر به کار می‌گیرد.

ابزارهای اعمال قدرت

- ابزارهای تشویقی
- ابزارهای تنبیهی
- ابزارهای اقناعی

وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی

در هر دو پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد. در مورد اول به دلیل اجبار و در مورد دوم برای پاداش پیروی می‌کند.

قدرت اقناعی

برخلاف این دو با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت اعمال می‌شود.

منابع یا عوامل قدرت

- شخصیت: امروزه با قدرت اقناعی نزدیکی بیشتری دارد.
- مالکیت: بیشتر با قدرت تشویقی قرابت دارد.
- سازمان: در درجهٔ نخست با قدرت اقناعی خویشاوند است.

@DaneshSad

هر کنش سیاسی

- یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود.
- یا با هدف حفظ آن

نظر رویکردهای جامعه‌شناسی دربارهٔ سیاست و قدرت

- جامعه‌شناسی تبیینی: با منحصر کردن علم به علم تجربی، ارزش‌های سیاسی را قابل مطالعهٔ علمی نمی‌داند و با معنازدایی و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت و فروکاستن آن‌ها به پدیده‌های مادی و فاقد معنا، از شناخت آن‌ها باز می‌ماند.
- جامعه‌شناسی تفسیری: سیاست و قدرت را پدیده‌های معنادار و ارزشی می‌داند و به توصیف ارزش‌های سیاسی بسنده می‌کند و نمی‌تواند برای مقایسهٔ آن‌ها ملاکی به‌دست آورد و به علت تمرکز بر ذهنیت‌ها، توان مطالعه و بررسی آن را ندارد.
- جامعه‌شناسی انتقادی: یافتن راهی برای داوری علمی دربارهٔ ارزش‌های اجتماعی به‌ویژه در عرصهٔ قدرت و سیاست را ضروری می‌دانند.

@DaneshSad